

جنون قهرمانی

ایمان گودرزی

روزنامه‌نگار ورزشی

این تورنمنت بدون شک فقط و فقط جام جهانی لیونل مسی بود، از ابتدا تا انتها. در حالی که حتی هت‌تریک دراماتیک و شگفت‌انگیز امپایه در فینال نیز مانع جادوی مسی نشد.

از همان روز اول که آرژانتین مقابل

عربستان سعودی شکست خورد همه به جای سرزنش کردن این تیم یادآور خاطره تاریخی آرژانتین در سال ۱۹۸۶ شدند و به تیم این امید را دادند که در آن سال نیز اولین بازی را شکست خوردند و در نهایت با درخشش مارادونا جام را بالای سر بردند. آرژانتین پس از باخت در اولین بازی خیلی سریع به خودش آمد و با برد مقابل لهستان و مکزیک به عنوان تیم اول راهی مرحله حذفی شد. در مراحل حذفی با

اینکه آلبی سلسله به تیم‌های دشواری نخورد اما روحیه برنده خود را در بازی با استرالیا و هلند که بازی به ضربات پنالتی کشیده شد نشان داد و به لطف درخشش دروازه‌بان امیلیانو مارتینز به نیمه نهایی رسید. در نیمه نهایی با اینکه به نظر می‌رسید مقابل تیمی که برزیل را حذف کرده کار سختی خواهند داشت اما به راحتی این تیم را از پیش رو برداشتند و راهی فینال شدند.

روحیه جنگندگی آرژانتینی‌ها و هم‌قسم شدن آنها برای رساندن کاپیتان خود به این جام بی‌نظیر بود. بالاخره روز فینال فرارسید و این بازی برای مسی همه چیز بود، ستاره به خوبی می‌دانست که باخت در این بازی یعنی پایان رویای جام جهانی برای همیشه، بازی با بالاترین فراز و نشیب ممکن پیش رفت و در نهایت ضربات بی‌رحم پنالتی امپایه را مرد بازنده و مسی را در قله افتخارات یک فوتبالیست قرار داد.



نفر به نفر

آسان سعیدی

روزنامه‌نگار ورزشی

پیری درخشان عالیجناب

...و سرانجام قصه به آنجا رسید که بقیه دوست داشتند. همانجا که افسانه‌ها جذاب می‌شوند و با قصه‌ها و زندگی روزمره ما در هم می‌آمیزند. آخر قصه، مسی رسید به چیزی که باید. به افسانگی. او حالا از مرزی عبور کرده که برای عبور کسی ساخته نشده بود. بعد از او، البته امپایه احتمالاً این مرز را رد می‌کند اما تا آن موقع، مسی را عشق است و اگر راستش را بخواهید، تا بعدش هم همچنین!

مسی مزد سال‌ها جنگیدنش را به دست آورد و وقتی از جنگیدن حرف به میان می‌آید، منظورم فقط عرق ریختن و تکل زدن و چمن را له کردن نیست. همه در زمین همه این کارها را می‌کنند اما همه به مقام افسانگی دست نمی‌یابند. مسی در پایان فینال، واپسین مهره مورد نیاز برای افسانگی را به دست آورد و خلاص!

آرژانتینی پیر، حالا در ۳۴ سالگی به چیز دیگری فکر نمی‌کند و نگران چیز دیگری نیست. او هیچ قله فتح نشده‌ای را پیش روی خود نمی‌بیند. نگران چیزی نیست. او آنقدر جام کسب کرده و عنوان به کف آورده که برای بازنشستگی، رؤیایی برایش نمانده باشد. او حالا پیری درخشان تری را چشم انتظار خود خواهد دید.

تخصصی ندارم، پس حرف نمی‌زنم

ایرانی‌های بایرن مونیخ در ورزشگاه لوسیل

سعید زاهدیان

روزنامه‌نگار ورزشی

۱- بازی آرژانتین و کرواسی، ورزشگاه لوسیل؛ کنارم خبرنگاری میانسال با موهای طلایی نشسته و خیلی آرام و بی سروصدا است. برخلاف بقیه خبرنگاران که تند و سریع با لپ‌تاپ مشغول ارسال گزارش لحظه به لحظه بازی هستند، نه چیزی می‌نویسد، نه گزارش یا خبری برای رسانه‌اش ارسال می‌کند. اغلب صفحه نمایشگر لپ‌تاپ پایین است تا بازی را بهتر ببیند و مزاحم دیدش نباشد. رفتارش بیشتر شبیه آنالیزور هاست تا خبرنگاران. گهگاهی از روی سایت، به آمار بازیکنان نگاه می‌کند و خیلی خونسرد روی دفترچه یادداشت کوچکی که بغل دستش گذاشته، جملات یا تاک کلمه‌هایی می‌نویسد.

بین دو نیمه، صفحه نمایشگر موبوک خود را می‌بندد و شروع به خوردن تنقلات می‌کند؛ فقط تخمه و چیپس کم دارد! انگار آمده تا تنها

تماشاگر بازی باشد و رفتارش چوری به نظر می‌رسد که خیال می‌کنم از سر بی‌کاری آنجا نشسته و دغدغه کار ندارد. از روی کنجکاوی از او می‌پرسم: «where are you from» که جواب می‌دهد: «Germany». وقتی به سمت من می‌چرخد، آی‌دی کارت او را می‌بینم که رویش نوشته «بیلد اشیگیل».

تیم ملی تخصص من نیست

۲- بین دو نیمه فرصت مناسبی است تا با او درباره فوتبال آلمان حرف بزنم و از او درباره حذف تیم ملی کشورش می‌پرسم که چرا خیلی عجیب و حیرت‌انگیز در مرحله گروهی حذف شد؛ پاسخ او شگفت‌انگیز است: «حوزه تخصصی من بایرن مونیخ است و روی این باشگاه متمرکزم و تسلط کامل و دقیقی روی تیم ملی ندارم. بهتر است به این سؤال جواب دهم چون اطلاعاتم کافی نیست».

۳- با این حساب باید برویم سراغ بوندس لیگا و باشگاه بایرن مونیخ؛ آیا بازیکنان ایرانی

که در بوندس لیگا بازی کرده‌اند را به خاطر دارید؟ این سؤال او را سر کیف می‌آورد و شروع می‌کند به حرف زدن: «بله کامل و دقیق... علی دایی، وحید هاشمیان و علی کریمی را می‌شناسم. هاشمیان در آلمان به هلیکوپتر معروف بود. به دلیل پرش‌های بلند و توانایی و تسلطی که روی هوا هنگام ضربه سر زدن داشت. پرش‌های بلندی داشت و حالت و فرم ضربه زدن او به توپ باعث می‌شد تا دست و پا و فرم بدنی‌اش شبیه هلیکوپتر باشد. شخصاً بازی او را از بقیه بیشتر دوست داشتم. تا چند ماه پیش خبر داشتم که یکی از مربیان ایران است، با تیم ملی به جام جهانی نیامد؟»

توضیح می‌دهیم که بعد از تغییر کادرفنی از تیم ملی جدا شد. خبرنگار بیلد هم از تغییر کادر فنی در آستانه جام جهانی متعجب بود و دلایلش را می‌پرسید. وقتی متوجه شد که به بهانه مدیریت ضعیف اسکوچیچ، سراغ کی‌روش رفیقیم تا نتایج بهتری بگیریم، کمی تعجب کرد و گفت: «کی‌روش مربی خوبی است اما نتایج خوبی نگرفت و تیم

ایران نمایش جام جهانی قبل را نداشت. آیا کی‌روش می‌ماند؟» جواب ما: «هنوز مشخص نیست...!»

شماره ۸ فانتزی و پول زیاد قطری‌ها

۴- نوبت نفر بعدی شد. او درباره کریمی با هیجان حرف می‌زد: «فوتبالیست شگفت‌انگیزی بود... ماگات او را به بایرن آورد. انتقاد می‌شد که چرا از آسیا بازیکنی را به باشگاه بزرگ بایرن آورده که تجربه بازی در سطح بالای اروپا را ندارد. فصل اول کریمی نشان داد که صاحب کیفیت لازم برای بازی در بایرن هست و خیلی زود به ترکیب اصلی رسید. رشد سریعی داشت. حرکات فانتزی و نمایشی او در بازی‌های ابتدایی هواداران را به او علاقه‌مند کرد اما اواسط سال دوم که تازه با فضای باشگاه بایرن آشنا شده بود، آسیب دید و انتهای فصل از تیم جدا شد. ماگات علاقه زیادی به کریمی داشت. کریمی بازیکن شگفت‌انگیزی بود. از چند تیم مطرح بوندس لیگا پیشنهاد داشت. گمان می‌کنم دستمزد بالای یک تیم قطری عامل اصلی ترک بوندس لیگا شد.»

رقابت آقای گل با مهاجم بزرگ دنیا

۵- بجز اینها، علی دایی را هم خوب می‌شناسد: «سال‌ها عنوان بهترین گلزن فوتبال ملی دنیا را در اختیار داشت که امسال رونالدو رکورد او را شکست. دایی در بوندس لیگا عملکرد خوبی داشت. زمانی به بایرن آمد که مهاجمان مطرح، بزرگ و باتجربه در خط حمله بازی می‌کردند. او بازیکن سختکوشی بود و با آنها رقابت کرد اما نظر مربی روی البر و ماکای بود تا دایی. خبر دارم که دایی در ایران چهره‌ای محبوب و مردمی است. شاید اگر در مقطع دیگری به بایرن می‌آمد، سال‌های بیشتری می‌ماند و در این تیم گل‌های مهمی هم می‌زد.» صدای سوت داور یعنی پایان گفت‌وگو و شروع بازی حساس آرژانتین و کرواسی در نیمه دوم. تشکر می‌کنیم و هر دو مشغول تماشای بازی می‌شویم. نکته مهم این گفت‌وگو، پرهیز از حرف زدن در حوزه غیرتخصصی بود. یعنی هر کسی در مورد هر موضوعی صحبت نمی‌کند و فقط پیرامون تخصص‌اش سخن می‌گوید.

حکیم بازی اعداد را بهم ریخت!

سینا فتوت

خبرنگار ورزشی

ملی اسپانیا قهرمان جام جهانی شد. آن سال، خوان ماتا شماره ۱۰ چلسی و بازیکن تیم ملی اسپانیا بود.

سال ۲۰۱۴ با قهرمانی ژرمن‌ها همراه بود و نکته جالب اینجاست که آن سال، آندره شورله پیراهن شماره ۱۴ چلسی را می‌پوشید و ارتباط جالبی با سال ۲۰۱۴ داشت. جلوتر که می‌آیم، به جام جهانی ۲۰۱۸ می‌رسیم؛ طبق این روال، شماره ۱۸ فرانسه باید بازیکن چلسی باشد. فرانسه قهرمان جام جهانی ۲۰۱۸ شد و اولیور ژیرو شماره ۱۸ چلسی را آن فصل

بر تن کرده بود. بر اساس این اعداد، مراکشی‌ها در دوحه امیدوار بودند که امسال جام قهرمانی را به امیدوار بودند که امسال جام قهرمانی را به اگر مراکش به فینال می‌رسید و قهرمان می‌شد، اتفاق عجیبی رقم می‌خورد. حکیم زبایش بازیکن فعلی تیم ملی مراکش عضو باشگاه چلسی در لیگ انگلیس است و جالب شکست مراکش مقابل فرانسه، ماجرای شماره پیراهن‌های بازیکنان چلسی هم به اتمام رسید.



کرواسی و مسیر پیش رو

هومن جعفری

خبرنگار ورزشی

دو حضور درخشان در نیمه نهایی جام جهانی و کسب دو عنوان دومی و سومی، برای کرواسی چیزی ارزشمندتر از هر عنوان دیگری است. آنها در پایان زندگی حرفه‌ای بازیکنی مثل مودریچ، خوشحالند که از پتانسیل رهبری او به بهترین شکل ممکن استفاده کرده‌اند. آنها حالا باید

افق‌های جدید را بررسی کنند. اینکه قرار است به کدام سمت بروند و چه افق‌هایی را فتح کنند. کرواسی کشوری کوچک با جمعیتی کم است اما در یافتن و پرورش دادن استعدادها و فوتبالی بسیار موفق عمل می‌کند. کروات‌ها حالا باید به آرامی دنبال تغییر نسل باشند، میانگین سنی را کاهش دهند و کمی بازیکنان جدید را به اردوی خود اضافه کنند. آنها تیمی هستند با یک توازن سنی بسیار درخشان. یک دفاع

بیست ساله درجه یک مثل گواردیول در کنار یک بازیکن سی و هفت ساله همه چیز تمام مثل مودریچ. آنها بازیکنان دیگری مثل لورن، برزویچ، پرسیچ و... دارند که سرمایه‌ای به حساب می‌آیند اما مشخص نیست کدام‌شان بماند. پرشیچ، لورن و مودریچ رفتنی هستند و بار تجربه این نفرت روی دوش دیگران می‌ماند. کمی باید صبر کرد تا ببینیم چه کسی می‌ماند و چه کسی کشش‌ها را خواهد آویخت. آنها آینده را پیش روی خود دارند.